

The principles of international treaties have two principles of stability and change, because on the one hand, international developments and the need to pay attention to the requirements of time and place, have led to new treaties, and on the other hand, this should not threaten the stability, security and continuity of treaties. , Because in most legal systems, the principle of stability and security is accepted and the rule of the need to comply with treaties is the crystallization of the element of stability and its continuity. However, non-compliance with the principle of stability is permissible in certain circumstances. This principle is the best way to combine the two elements of stability and change. In fact, it is an exception to the principle of binding treaties. In case of unexpected events and fundamental change, with three bases of the theory of fraud, the rule of hardship and the theory of interpretation of the will of the interlocutors, by examining the view of Imam Khomeini, this rule can be accepted in exceptional cases in Iranian law. This article has been done in a descriptive-analytical method with the help of library tools and the analysis of thematic points and the inference of legal jurisprudential propositions

## اصل ثبات و استمرار معاهدات بین الملل و لزوم تغییر با توجه به مقتضیات زمان و مکان با تاکید بر دیدگاه امام خمینی ره

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱

امید عمیق<sup>۱</sup>

محمد ادیبی مهر<sup>۲</sup>

علی پور قصاب امیری<sup>۳</sup>

چکیده

مبانی معاهدات بین الملل از دو اصل ثبات و تغییر ب خرداد مری باشردد، چ اکر از سیری تحولات بین الملل و لزوم ترج ب مقتضیات زمان و مکان، مرجب انعقاد معاهدات جدید گ دیده و از ط فی این ام نباید باعث تهدید ثبرات، امدیر و اسرتم اد معاہدات گ دد، زی ا دد اغلب نظام های حقوقی اصل ثبات و امدی، پدی فت شرده اسر و قاعده لزوم وفا ب معاہدات تبلرد عدص ثبات و استم اد آن اس. با این وجر د، عدم دعای اصل ثبات ددش ایط خاصی مجاز دانست شده اس چدانچ تغیی بدیادین، تعادل معاہده ای اساساً ب هم زند، دد این صردت فسح و یا تعدیل معاہده ب، جای حکم اولی ک التزام ب مفاد آن اس، می گ دد. این اصل بهت ین داهحل جمع بین دو عدص ثبات و تغیی اسر دد واقع استثنایی ب اصل الزامی بردن معاہدات می باشد. دد صردت ب وز حرادث غی مت قب و تغیی بدیادین، با س مبدای نظی غبن، ف ضری تفسی داده متعاملین و نیز قاعده عس و ح ج، با امعان دیدگاه امام خمیدی میتران این قاعده دا دد حالات استثنایی دد حرق ای ان پدی ف. این نرشتاد ب دوش ترصیفی تحلیلی با ابزاد کتابخان ای و تجزیر و تحلیل مضمین فیش ب دادی شده و استنتاج گزاردهای فقهی حرقی، صردت پدی فت اس.

**کلیدواژه:** معاهدات بین الملل، مقتضیات زمان، تغیی بدیادین، وفای بر عهد، ثبرات و استم اد

<sup>۱</sup>دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

<sup>۲</sup>دانشیار، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، تهران، ایران

<sup>۳</sup>مدیر گروه دکترای حقوق عمومی و بین الملل عمومی

معاهدات بین المللی همانند دیگر قواعد حقوقی از دو عدص ثبات و تغییر ب خردداد هستند، ب جه ایدک نیازهای ام وز جامع جهانی ب اث تحولات و دگ گرنی های عص حاضر چه ه جدیدی بخردگ فت و دشدس یع علم و تکدرلری و ترسرع دوابرط برین الملل و لزوم ترج ب مقتضیات زمان و مکان باعرث انعقاد معاهدات جدید و تاسری نهادهای متداسب با این نیازها و تحولات گ دیده اس. و از ط ف دیگ این ض ودت نباید ثبات و امدی و استم اد معاهدات بین المللی دا تهدید نماید و اصل لزوم وفا ب معاهدات دا تضعیف کدد، زی اثبات و امدی ه دواز اصل اساسری و مهرم هر نظام حقوقی و اجتماعی هستند. قاعده لزوم وفا ب معاهدات تبلرد عدص ثبات و استم اد معاهدات اسر و ب ای حفظ عدص تغیی و هماهدگی معاهدات با نیازها و تحولات جامع بشی و دعای عدال، اصل تغیی بدیادین اوضاع و احوال ک یکی از اصمل مهم و قدیمی حقوق برین الملل می باشد وضع گ دیده اس ب نظ می دسد این اصل بهت ین داهحل جمع بین دو عدص ثبات و تغیی اس. (الب ت ب ای جلرگی ی از سرء استفاده دولتها و حاکمی ه ج و م ج ب دوابط بین المللری و حفرض صرل و امدریر جهرائی و ثبرات معاهدات شر انط و محدودیتهایی ب ای استداد ب اصل مزبرد دد مراده ۶۲ کدرانسریرن ۱۹۶۹ ویرن داجرع بر معاهدات بین المللی ذک شده و آئین اجائی خاصی ب ای استداد بر آن وضرع گ دیرده اس. (و با قبرل مرث بردن تغیی ش ایط بدیادین ب معاهدات، و مجرد نظی فقهی اصل لزوم، سؤالی ک مطح می گ دد این اس ک دد صردت ایجاد حرادث، غی قابرل پریش بیدی و عام و تغیی بدیادین دد ش ایط زمان انعقاد معاهده و دد نتیج دشراد شدن اج ای آن و یا ودود ض د غی متعادف ب یکی از ط فین، آیا امکان فسخ و یا حداقل، تجلید نظر و تعلیل و جرد دادد؟ ب مرجب قاعده فقهی «نفی عس و ح ج» و یرا قاعده «لاضر د» و نظی «ش ط ضمدی» می تران حکم ض دی یا ح جی دام تفع دانست و حق فسخ ب ای متعهد قائل شد) محقق داماد، قواعد فق، 3741: 1، 602)

باب دسی نظی تغیی بدیادین اوضاع و احوال یا همان قاعده دبرس، ایرن حقیقر دا دوشن میسازد ک اصل مزبرد دد هم تمدنها و نظامهای حقوقی جهان پدی فتر شرده و دد سیستم های حقوقی پیش فت جهان هم نهادهای مشاب این اصل و جرد دادد از قبیل تثردی حرادث پیش بیدی نشده، تثردی قره قاه ه یا فردس مرایود، نظیر عرزد

دد فقر اسلامی، تتردی ض و دت و اضط اد، تتردی انتفای ق ادداد دد حقرق انگلری و نظیر از بین دفتن مبدای ق ادداد دد حقرق آلمان.

با ترجیب پذی ش این نظی دد حقرق بعضی از کشردها و لزوم شداخ آن و سابق و پیشید مرضع، ب ب دسی اصل ثبات و استمرار معاهدات بین الملل و لزوم تغییر

3

با توجه به مقتضیات زمان و مکان با بررسی دیدگاه امام خمینی(ره) (و داه حل فق و حقرق و تطبیق آن با قاعده عس و ح ج و لاض د می پ دازیم.

## ۲- گفتار اول: مفهوم شناسی

### 1-2 مفهوم شناسی معاهدات

معاهدات جمع معاه لآده از ماده «عهد» اس، مهمت ین معانی آن: «قرل، تعهد، دعای ک دن، نگاه داشتن و ش ط بستن» می باشد(دهخدا علی اکب 373: 44501) عهد ب معدای «التزامی خاص دد ب اب ف د ب ای انجام کادی مری باشرد»(مصرطفری حسن 385: 642)، التزام دد و جر مصرددی آن یعدری «ب عهرده گرفتن کرادی، قبرل مسرئرلی و تکلیرف، مردرف شردن و خریشرتن دا بر انجرام کرادی مجبررد سراختن اس.» «ف هدگ لغ عمید، ذیل وایه التزام، بی تا) و «ثاب ک دن ام ی ب نحر محکم ب عهرده خرد ب گرن ای ک هم اه و ملازم او باشد.» (فیرمی، احمد بن محمد 414: 553) و «ب خی دیگ آن دا التزام ب شیئی و عقد قلبی ب آن دانسرت انرد» (طباطبرایی 378:

156). و نیررز «الترزام خرراض دد ب ابرر خداونررد متعررال یرا شخصرری، برر کرادی مخصرص»(جرادی آملی، 387: 545) معدا شده اس.

و دد ع ف حقرقی و سیاسی دد مردد تعهدات بین المللی ب کاد می دود، دد بدرد(الف) ماده 38 اساسدام دیران، از «کدرانسیرن بین المللی عام یا ویژه پدیدآودنده قراعدرد مردد پذی ش دول های ددگی» سخن دفت اس. کلم کدرانسیرن ب معدی معاهرده اسر و دد حقرق بین الملل و دوابط بین الملل تدها ب همین معدی ب کاد می دود. وایه معاهرده، دادای مفهرم عام و همگانی اس

تعهد بدون دد نظ داشتن جه خلقی آن، جه الهی دادد ک مردد تکلیف ق اد می-گی

## 2-2 مفهوم شناسی ثبات و استمرار

اصل ثبات، استماد و امدی معاهدات، این دوزها در غالب نظام هر ای حقرقی مردد پذی ش اس و قاعده لزوم وفاب معاهدات تبلرد عدص ثبات و استماد معاهدات اس .

اصل لزوم وفای ب عهد اهمی بالای دد نظام حقرق بی الملل دادد کر ب خری آن دا دد داس ه م حقرقی و خاستگاه سای قراعد حقرق بین الملل مع فی می کدد؛ ب گرر ای ک ادام حیات جامع بدون آن ممکن نخراهد برد(Kelsrn. 2003:44) از ط فری، فط ی بردن وفای ب عهد سبب گ دیده تا از این قاعده ب عدران یکی از احکام و قرانین ش عی یاد شررد)مائده، ۱( کر برا تکامل بشر دد قررانین مرضرع کشرردها داه یافت اس )احمدی طباطبایی و آدام، ۳۹۳۱: ۶۸( دد دوابط بین الملل نیز قاعده فررق بر ای نخستین باد دد ماده ۲۶ کدرانسیرن حقرق معاهدات، مصر ب ۱۹۶۹ میلادی ب صراح مردد ترج ق ادگ ف.

این قاعده حاکم ب حقرق معاهدات اس ک دیش دد حقرق ع فی دادد و اث الزام آود

یک معاهده ناشی از ع ف حاکم اس) ELC.28. 1964

دد حقرق ای ان، قاعده لزوم وفای ب عهد ب معدای لزوم پایبدردی طرفین بر دابطر ق اددادی ب ص اح ذک نشده و ص فا از وفای ب عهد دد مراده ۵۲۶ قرانرن مردنی، بر عدران یکی از اسباب سقرط تعهدات یاد شده اس .

بداب این، اگ وفای ب عهد اصل مسلم و خدش ناپذی ی دد حقرق بین الملل اس ک از نظ لزوم پایبدردی کامل ط فین ب اج ای مفاد آن سخن می گرید.

## 2-3 مفهوم شناسی تغییر بنیادین در فقه

تغیی بدیادین ب این معدی اس ک : «چدانچ اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهددهای دد طرل زمان و دد حین اج ا تغیی اساسی پیدا کدد می تراند ب عدران دلیلی ب ای پایان و یا تعلیق اج ای معاهده ب آن استداد ک د»(ضیائی بیگدلی، محمد دضا، ۵۹۳۱: ۷۴۲) «ب اذعان علمای علم حقرق این نظی دانمی تران ب شکلی کر امر وزه دد حقرق مطح می باشرد دد فقر اسرلامی نیز مردد پذی ش قراد داد.»(جعفری لدگرودی، محمدجعف، ۳۵۷۱: ۲، ۶۴۲) دد حقیق فق و حقرق اسرلامی تغیی بدیرادین اوضراع و احوال دا دد عقرد و تعهدات نافذ می داند، امّ با

دوش کاد خاص خرد، شیره دوب و شردن با آن دا پیش بیدی ک ده و خرد دا نیازمدد وضع یک نظی عام و کلی چرن نظی تغیی و اوضاع و احوال نمی دیده اس

ب نقل از سهدرددی اس ک: «د فق اسلامی ب دو سبب نمی تران قائل بررد کر همچرن حرق دد غ ب نظی جامع و کلی تتردی حرادث غی قابل پریش بیدی وضرع گ دیده باشد، این دو سبب ایدک: فق اسلامی ن دد مردد نظی حرادث غی قابل پریش بیدی و ن دد دیگ مرادد، نظی های عام و کلی وضع نک ده اس، بلک، همچرن سرای نظام های حرقی کهن مثل حرق دم، مرضعات دا جداگان ب دسی و ب ای آنها داه حلی عادلان ک دد آن ج بیان پدهانی از مدطق حرقی ج بیان دادد وضع می کدد و بایرد ایرن مرضع دا پژوهشگ بداند و با تکی ب داه حل هرای گرنراگن بر ای مرضعات مختلف نظی ای دا مبتدی ب مدطق حرقی وضع کدد. دوها: ایدک دد حرق غ بی ناچاد ب وضع نظی کلی حرادث غی قابل پریش بیدی می باشد ب ای ایدک سختی اصل لزوم ق اددادها را داب جه مبالغ زیاد، ب ای تحق عدال کم کدد. این مبالغ از ط ف مکاتب ف دگ ایانو کاهش آن از سری مکاتب حرقی اجتماعی می باشد. اما دد فق و حرق اسرامی بر این جه ک عدال دد مراجعه با قددت الزام آود عقد همیشه غالب برده و دد چدرین 5

مرقعی داه هایی دد قددت الزام آود بردن عقد پدیداد گ دید، بدون این ک فقها نیاز بر وضع نظی ب ای ترجی آن داشت باشد، تا وقتی ک عاداتا آنان ب اقتضاء عدال تمسک می نمایند.» (السهدردی، عبدال زاق، بی تا: ۶۰۹)

«ب خی از حرقدانان معاص تلاش داشت اند تا ایدک معادلی دا بر ای ایرن نظیر دد فق و حرق اسلامی پیدا نمایند و آن دا مقادن اصل تعدد و فاب ق ادداد قلمداد نمایند.» (شیخ الف ازی، بی تا: 48)

ب اساس قاعده «بطلان کل عقد یتعدز ب مضمون، زمانی کر متقاعردین و متعاملین بعد از انجام عقدی ب دلیلی نترلندد ب آن عمل نماید، آن ق ادداد ب دلیل تعدد و عدم امکان وفاء ب عهد، باطل می گ دد. این اصل دد هم عقرد و معاملات ج بیان دادد بر ای مثال اگ خان ای یا دگانی باشد و ه یک از مرج و مسرتجج بر آن ملترزم و متعهد شرنند، اگ وفای ب عهد از ط ف ه دو یا یکی از آنها دد این معاوض تعدد شرد، چدرین عقد اجاده ای فاسد و باطل اس حال این تعدد وفاء ناشی از تلف یکی از عرضین یرا هر دو و یا ب عل دیگ ی باشد.» (محقق دامراد، قراعدرد

فقر، 3741: ۲) بر اساس نظر حقوقدانان «چنانچه از انجام ق اداد ب ای ه یک از ط فین عقد حادث غی قابل پیش بیدی پیش بیاید ب شکلی ک ادا م دادن عقد ض د زیادی بر او وادد گردد کر بدرا بر مقتضای عقد نباید آن دا تحمل کدد، این ام از مصادیق تعذد (وفا) و مجاز اس ک عقد دا قبل از انقضاء مدت خاتم دهد.» (مرسری بجدرددی، 3741: 5)

### 3- گفتار دوم: جایگاه قاعده تغییر اوضاع و احوال

«دد تادیح و دوابط و حرق بین الملل از گذشت های دود تراکدرن، قاعده دبررس دد عملک د کشردها، دوی قضایی برین المللری و سرازمانهای برین المللری، از جملر ملرل و سازمان متحد مردد شداسایی، پذی ش و حتی عمل و اج اق ا دادد. امرا عهدنامر هر ای حرق معاهدات، اصل دا ب عردم پرذی ش قاعده و اسرتندا دا پرذی ش قاعده قر ا دده اس.» (ضیائی بیگدلی، محمد دضا، 5931: 742)

این مسئل دد ب خی از عهدنام هایی ک م تبط با معاهدات برین المللری اسر و یرا م برط ب قرانین و دویر قضایی ب خری از کشردها مری باشرد آمرده اسر و مراده ۶۱ کدرانسیرن ۱۹۶۶ وین آودده اس: «چنانچه اوضاع و احوال زمان تدظیم قر اداد، پایر ترافق و ت اضی ط فین معاهده باشد و این تغیی بدیادی دد پی امرن التزامهایی مرث اس ک ب وسیل معاهده باید اج ا گ دد، این تغیی ش ایط دد ق اداد مرث خراهد برد. و نیز ب اساس ماده 373 قانرن تعهدات کشرد سرئی: «چنانچه بخراط وقررع شر ایط غیر معمرل ک ب ای متعاملین قابل پیش بیدی نیس، اج ای عمل دشرا دد، ب تشرخی قاضی، قیم تعیین شده می تراند افزایش پیدا کدد یا با فسخ عقد مرافقر نماید.» و ماده ۲۶۹ مدرخ قانرن مدنی سال 331۹ لهستان آودده شده اس ک: «هر زمرانی ددنتیح ایجاد حرا دت استثنایی مثل جدگ، بیمادیهای مس ی و تلف کلی محصرل و دیگ بلاهای طبیعی، عملی شدن التزام ب عقد مشکل شرد و ب احد المتعاقدین زیانی سدگین وادد گ دد، ب نحری ک هدگام انعقاد ق اداد از ط ف هیچ یرک از متعاقردین پریش بیدری نشده باشد، بداب اصل حسن نی، داددس مجاز اس با ترج ب مدافع طر فین قر اداد، نحره اج ای مفاد ق اداد و میزان اهمی آن دا تعیین و حتی ق اداد دا باطل اعلام کدد.» دد مرادی از قانرن مدنی ایتالیا می تران مق دات مشابهی دا یاف ک دد بعضری کشردها ک دد قانرن آنها مق داتی پیش بیدی

نشده اس، دوی قضایی ب دعای این نظی متمایل می باشد. (خس وی، حامد ۹۹۳۱)

### 1-3 تباین قاعده تغییر بنیادین با اصل وفای به عهد

ه معاهدات ب اساس واقعیتی اجتماعی ب مانند قاعدهای حقرقی دد مری آیرد، بر اعتقاد ب خی صاحبنظ ان، «زمانی ک دد یک مرعیتی تغیی ی بنیادین پدید آید باعرت می شرد معاهده از ددج اعتبار ساقط گ دد اما باعث نمی گ دد ک امکان مطلق اجر ای معاهده از بین ب ود. چ اک فلسف قاعده دبرس، م تبط ک دن واقعی اجتماعی و وضع قاعده حقرقی و ایجاد هماهدگی معاهده با واقعی اجتماعی می باشد.» ضیائی بیگردلی، محمد دضا، ۵۹۳۱: ۷۳۲)

حقرقدانان زیادی، تغیی بدیادین اوضاع و احوال دا دلیل پایان معاهدات مری داندرد و معتقدند ک دد کلی معاهدات ش ط ضمدی و جرد دادد ک ه گاه اوضراع و احوال زمران انعقاد معاهده تغیی ک د ط ف مدعی تغیی می تراند بر آن خاتمر دهرد) اسرماعیلی، محسن، ۱۳۸۱، مجل دهمرن، ش ۱)

«ب خی قاعده دبرس دا یک قاعده عام و عیدی دانست و اعتقاد دادند کر معاهده بر این جه پایان می یابد ک دد نتیج تغییر اوضراع و احوال هماهدگی برین محررای معاهده و واقعی اجتماعی جدید ک دیگ نمی ترلند حاکم باشد قطع می شرد. دد مبانی نظی قاعده دبرس این نظی از نظیر هرای دیگر قابل پردی ش تر اسر «) ضریائی بیگدلی، محمد دضا، ۵۹۳۱: ۷۳۲)

حال با ترج ب ج یان اصل وفای ب عهد دد تمام معاهدات، این سرال مطرح اسر ک آیا قاعده تغیی بدیادین با این اصل مغایت دادد یا ن؟ دد پاسخ می تران گفر کر هیچ گرن مغایتی با قاعده وفای ب عهد ندادد و تا زمانی ک ش ایط مجرد دد عهدنامر وین دد مردد استداد ب قاعده تغیی بدیادین دد معاهده ای و جرد نداشت باشد و کشررد استداد کدده ب آن اعتاض نکدد این معاهده همچدان ب قرت خرد باقی اس و قاعده وفای ب عهد یا اصل لزوم ج یان دادد و زمانی ک طبق عهدنام حقرق معاهدات قاعده ۷

تغیی بدیادین با تمام ش ایط آن اعمال شرد معاهده پایان یافت و اصزل و فرای بر عهد مدتفی می گ دد.» (مرلری، مه ان، فصلدام مطالعات علم اجتماعی، ۴۹۳۱، ش ۲: ۲۶)



نظری ای دد لیدجا و جرد دادد ب لیدک دد قاعده دبرس مطابق معااهده برا واقعی اجتماعی ج یان دادد و اصل بقای اوضاع و احوال دد انعقاد هم معااهدات مستت اسر و این قاعده خط ناک اس بدین جه ک اوضاع و احوال دایما دد حال دگ گرنی اس. با و جرد این قاعده ن فقط انعطاف پذی ی معااهدات دا تضمین نمیکدد بلکه سبب بیثباتی دد معااهدات می گ دد. و اما با این و جرد همانطردی کر دد عهدنامر حقرق معااهدات آودده شده اس اعمال این قاعده تح شرایطی مرردد قبرل قراد گ فتر اسر. ایرن عهدنام تع یفی از قاعده دبرس بدس نمی دهد و تدها ب ش ایط یرا مررارد اسر تعمال و عدم استداد ب آن پ داخا اس.) ماده ۶۲)

#### 4- گفتار سوم: راه حل فقهی و حقوقی تأثیر تغییر بنیادین در معااهدات

در هر معااهدای، طرفین با توجه به اقتضاء زمان معااهده، و نظر به سود و زیان و سنجش شرایط انعقاد قرار داد نموده و باید ملتزم به مفاد و تعهدات ناشی از آن باشند. ولی این کیه ملتزم بیه تعهدات نشأت گرفته از قرار داد می باشد کاملاً به بقا و ثبات شرایط و اوضاع و احوالی بستیتی دارد که قرارداد در آن موقعیت انجام شده است و همچنین بیه میزان تأثیر تغییرات از جهت دشواری و یا زیانی شدن و یا عدم امکان التزام است، بنا بر نقلی مسئلهای که در اینجا قابل طرح میباشد این است که: «تأثیر تغییر بنیادین اوضاع و احوال حین انعقاد عقد و مشکل شدن اجیرای تعهد است، به گونه ای که انجام قرارداد برای متعهد موجب عسر و حیر و ضیرر گیرد. و نیز تغییر شرایط زمان انعقاد عقد در حالی که ثبات شرایط مذکور خود فرضی مهبی و اساسی بیرای ترازی بوده و اکنون با تغییر اوضاع و احوال تعادل اقتصادی مفروض به خورده است. گرچه این دگرگونی ممکن است متعهد را در شرایط حر و مشقت قرار ندهد ولی به طور یقین ایشان را با خسارت قابل توجهی مواجه می سازد.» (صادقی مقدم، محمد حسین، 1397: 222 بیه نقیل از محبّالی، محسن، مجله حقوقی، ش 25: 112)

در چنین موقعیتی طبق مواد 227 و 229 قانون مدنی ایران<sup>1</sup>، چنانکه متعهد اثبات کند که دلیل انجام ندادن تعهد غیر ارادی و خار از کتتر فرد بوده است فاقد مسؤولیت می باشد. برای پاسی

۱. ماده 227 ق.م، ایران مقرر می دارد: متخلّف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی توان به او مربوط نمود». - ماده 229 ق.م. ایران مقیرر میی دارد: اگر متعهد به واسطه حادثه که دفع آن خار از حیظه اقتدار او است نتواند از عهده تعهد خود بر آید محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود».

به آن، با توجه به این که چنانچه اجرای قرارداد به دلیل عدم مدلول قانونی ممکن نباشید، ناچاراً باید از مبانی معاذیر قراردادی در حقوق مدنی و موادی که بیه عسیر و حیر و ضیرر توجیه دارد استفاده کرد که در صورت بوجود آمدن حوادثی که باعث سختی و حر و ضیرری شیدن اجیرای تعهد می گردد آیا کماکان متعهد از انجام تعهد معاف می باشد و از مسؤولیت ناشی از تأخیر مبیر آ است؟ یا این که دشواری و یا ضرری شدن اجرای قرارداد در اثر بروز حوادث پیش بینی نشده، از الزام ناشی از قرارداد نکاسته و راهی برای فرار متعهد متعسر و یا متضرر از دشواری و ضرر وجود ندارد و اصل لزوم در قراردادها در حقوق ایران همچنان حاک می باشد؟ (صیادقی مقیدم، محمد حسن، 1397: 222) برای بررسی و تحلیل موضوعهای مورد طرح، قواعدی مثل لاجر و لاضرر و نظریه شرط ضمنی مورد بحث می باشد:

#### 1-4 تعذر و تعسر در اجرای معاهده

پ از انعقاد ق ادداد ممکن اس ش ایطی ایجاد شرد ک اج ای مفاد ق ادداد دا سخ تح تائی خرد ق اد داده و عدم امکان اج ای ق اد داد ک دد فق تح عدران تعذر از آن یاد شده اس دا باعث شرد و یا ممکن اس حالتی دا ایجاد کدد ک اج ای ق ادداد دا برا سختی زیاد و عس و ح ج هم اه کدد ک دد این حال اج ای ق ادداد ص فا برا دشرادی هم اه می شرد بدون آنک اج ای آن غی ممکن شرد، ه کردام از وضرعی هرای عدبران شده آثادی دا از خرد ب ساختاد و بقای عقد خراهدد گذاش تا جایی ک بسرت بر نرع ش ایط ایجاد شده ممکن اس ب معافی متعهد از اجرای تعهد مدجر شرد و او دا از مسئرلی ب هاند و همچدین باعث انحلال، تعلیق یا تعدیل ق ادداد شرد.) سرده صریدانلر، 8۹3۱: ۱)

دد ایدجا با تکی ب کلام فقها می تران قاعده نفی عس و ح ج دا مردد استداد ق اد داد و دد جایی ک تغیی اوضاع و احوال دد ق اددادها ب دلیل حادث غیر قابل پریش

بیدری باعث دشوار شدن اج ای ق ادداد ب ای متعهد گ دد دا می آودیم .با ب دسری  
آیرات (حر:

78، مائده: ۶، بق ه 85۱ و ۶8۲ (و دوایات) طرسی، الاستبصاد، ۱: 3۶؛ خلاف، ۱: 37. و  
دلیل عقلی) دک: ن اقی، احمد: 57 (انتفای تکلیف دد مرادد «مالا یطاق، مافیر الضریق،  
مافیر العس» بدس میآید یعدی: «ه آن چ خادج از تران بش اس و دد آن عسر و  
حرج اس، حکم آن خراه تکلیفی باشد و یاوضعی مدتفری مری باشد.» (مرسری  
بجدرددی، سیدمی زا حسن، 374۱، ۱: ۹0۲) بداب این آنچه مرادد بحث اس تکالیفی  
هستد ک بر حد مالا یطاق ن سیده باشد. و ط فین ق ادداد ضمدا قبل دادند ک  
چدانچر کر نتیجری ق ادداد از تران و طاق ف د خادج باشد، تکلیف ساقط می شد.  
و این یک مسئل عقلری اسر و دد همیر ادیران و ملرل مرادد پردی ش اسر. (مرسری  
بجدرددی، سریدمی زا حسن 374۱، ۱: ۱۲۱)

آنچ از این مطالب بدس می آید این اس ک: دد دیرن مبرین اسرلام، حکمری کر ددب دادنده عس و ح ج باشد جعل نشده اس. و این جذب عام و مطلقى دادد و دد همر مراددی مشاب قلیل اعمال می باشد. پداب این اتفاق نظر و جررد دادد کر تمرامی اوامر و نراهی خداوند دد صردتی قابل ددیاف اس ک دد حیط ترانایی و طاق باشد. برا تکیرب دواى «حمزه بن طیاد» نیز استدباط می شرد کر معصررم (ع) ف مررده اسر: «هر چیزی ک م دم ب آن ام شدهاند دد حد ترانایی آنها اس و اگ چیزی خراج از ترران و طاق آنها باشد، از عهده آنها خادج اس» (مرسری بجدرددی، سیدمی زا حسن 374، ۱:

(۱۲۱)

فقها با تکیه بر نفی عسر و حر به عدم الزام متعهد نموده لند در صورتی که انجیام تعهد باعیت مشقت و حر گردد و بر حسب مورد می تواند موجب بطلان و فساد عقد شود:

دد صردتی ک «عین مستجج ه تلف گ دد یا انتفاع از آن غی ممکن گر دد یرا مرانعی باعث عدم انتفاع گ دد»، (نجفی، جراه الکلام، ۶۲۳۱، ۶۰۲: ۷۲. حلی، ش ایع الاسلام، ۲:

۹۷۱- حکیم، مستمسک الع وه الرثقی، ۱۲: 58) «فقها ب معاذی ی همچرن آفات ادضی و یا آفات سرهاوی بر عددران عرزد مطرح نمرده اندر کر مرجرب انحرلال عقرد مری گ دد». (نجفی، جراه الکلام، ۶۲۳۱، ۴۲، 87) «اگ دای ای اجاده شرد ک ب طفلی شی دهد و قبل از شی دادن بمی ند و یا ب نرعی شی دای خشک شرد، دد ایدجرا عقرد بر دلیل تعذد و فاء از ط ف یکی از ط فین عقد باطل می شرد و یا اگ حمّلر الی اجراه شرد ب ای حمل کالایی معین و دد این بین مال از بین ب ود یا بیماد شرد، دد صردتی ک قبل از شوع ب کاد باشد، عقد باطل می شرد». (مرسری بجدرددی، 374 5: 30۲)

انراع مصادیق معاذی دد کلام فقها مطح اس ک ب خی اشاده می گ دد: مثلا صاحب جراه، بادش ب ف و س مای شدید دا از معاذی معاف کدده ذک ک ده اند. (نجفی، محمد حسن، ۶۲۳۱، ۴۲: 87) و دیگران قحطری و بری آبری (میرازی قمری،

جرامع الشرتات، ۱۳:۲۳۷۱: ۴۴۴ (و یا وزش باد و تابش خردشید) م وادید، سلسرل یدرابع الفقہیر، ۱۶:

۳۵۱) (و یا دیزش ساختمان) نجفی، محمدحسن، ۶۲۳۱، ۷۲: ۰۲۱)

مرادد فرق دد سردتی اس ک اج ای تعهد ممکن نباشد. ولی دد مراددی کر امکران اج ای معاهده وجر ددادد صادق نیسر. از جملر نظر ات دد ایرن براده ایرن اسر کر «شخ زمیدی دا اجاده ک ده ب مبلغ معیدی و آب آن زمیرن بسریاد کرم شرده اسر و نقصان بسیاد ب مستجج می دسد مسلط ب فسح هس یا خی؟ این فقی دد پاسرخ مری گرید» داه ادل و فتاوی علما و ص ی جمعی این اس ک بلی و خلاف دد نظ نیسر و این مقتضای نفی ض د و ح ج اس.» (قمی، جامع الشتات، ۲۳۷۱، ۳: ۱۲۵) این نظ دد مردد تغیی ش ایط اوضاع و احوال و کاهش آب زمین می باشد و امکران انتفرع از عرین مستجج ه از مسدود نشده ولی استفاده از آن مرجب ض د زیاد ب مستجج میگ دد. پاسرخب گرن ای اس ک ایجاد قاعده همچرن لاض د و نفی ح ج نمی کدد بلک ش ایط جه ب ق ادی عدال می باشد.

از جمل مراددی ک می تران دد این بحث مط ح نمرد و نظ یرات متعرددی از فقہرا وجر ددادد مراددی اس ک ف دی تعهد می کدد ک مالی ب دیگ ی تحریل دهر د. حوال تحریل دادن این شی ناشی از تعهد ق اددادی باشد مثل بیع یا اجاده، یا این ک ناشری از مسؤولی ضمان قه ی باشد. مردد اول شامل تعهد بر تسرلیم کرا لا از یرک شره و یرا کشردی باشد و مردد دوم مانند این اس ک کسی مال دیگ ی دا تلف کدد. چرن دد فق مسؤولی های ق اددادی و غی ق اددادی یکسان مردد بحث ق ادگ فت اسر و تفکیکری ک ام وزه بین این دو مسؤولی مشهر داس دد فق لحاظ نشده اس نهایتا این ک می تران آثاد مسؤولی قه ی دا شامل مسؤولی ق اددادی دانس . دد مراددی ک مالی تلف گ دد متلف ضامن مثل اس آگ مال مثلی باشد و ضامن قیمر دد سردتی کر قیمری باشد. این مسئل مردد اتفاق نظ فقیهان می باشد ولی دد مرادد کمیابی یا وجر دداشترن آن دد شه دیگ ولی باقیم گزارف نظ ات مختلف می باشد، ب نرعی انجام تعهد مقدود هس ولی مشق داد و هزید سدگین باید پ داخ.

شیخ انصادی دد بیع سلم زمانی ک مشتی قادد ب تحریل مرال سرلم نیسر حرق خیاد قائل اس و آودده اس «دوشن اس ک مدظرد از عدم ترانرایب دد تحریل، تعردد عقلی ناشی از عدم امکان انتقال) مال) از شه دیگ نیس بلک م اد تعذدع فی

اسر و این همان چیزی است که علام دد تذکره گفت اس. (انصادی، شی مرتضی، 1374، ۱):

( 326 )

صاحب کتاب شرح شرایع الاسلام «پیرامون ملتزم بودن به حفر چاهی که به دلیل صعوبت زمین، شخص متعهد در سختی و حر می افتد، با استناد به قاعده نفی عسر و حر، حکم به رفع الیزام متعهد از ادامه حفر می نماید.» (صیادقی مقیدم، محمد حسین، 1397: 222 بیه نقیل از نجفی، محمدحسن، 1362، 27: 291) صاحب مفتاح الکرامه در شرح قواعد علامه، «مشقت و عسر را به نقل از تذکره به معنی وجود مانع در راه اجرای تعهد آورده و الزام ناشی از تعهد طیرف قیرار داد مبنی بر حفر چاه را برداشته است.» (عاملی، سید محمد جواد الحسینی، بی تا 7: 781)

می تران ب ای اثبات معافی شیخ متعهد از انجام تعهد و استداد ب قاعده نفی عس و ح ج و مراد ذیل دا احصاء نمرد:

الف) «هم تکالیف و احکام ح جی اعم از تکلیفی و وضعی دد سردتی کر مر جرب ح ج و مشق گ دد مردد اعتدا نیس و مکلفین هیچ گرنر مسرؤولیتی دد قیرال انجرام دادن آنها ندادند.» (حلّی، علام، حسن بن یرسف بن مطه اسردی، 314ه

ق، ۱: 824. ۱۱

عاملی، محمد بن جمال الدین مکی (شهرهید اول)، ۱۹۴۱ه ق: 77 و 33۱) بدراب این «اگر ملتزم بردن ب ق اددادی مر جرب مشق و سختی شدید گ دد، نفی عس و ح ج شرامل آن می شرد.» (مرسری بجدرددی، 374۱، ۱: 4۲۱).

ب) دلایل قاعده نفی عس و ح ج ب دلای اولی احکام مقدم می باشد. اسلام متشکلاز مجمرع ای از احکام و قرانیدی می باشد ک وقتری خداونرد حکمری دا ح جری اعلام بف ماید و آن دا نفی نماید معدایش این اس ک ه گرنر حکمری کر باعرث مشرق و سختی ب انسان گ دد جعل نک ده اس چدانک ک قاعده لاض د مر جرب نفری هر گرنر ض د اس «دد این جا نیز با تقیید اطلاقات و تخصصی عمرمات ادل اولی، ه گرن ح ج و مشق نفی گ دیده اس.» (المرسری الخمیدری، دوح الله، 363۱، ۱: 354 و 7۲۲- انصادی، شیخ م تضحی، 374۱: 373

ج) از مدلول قاعده عس و ح ج دوشن می‌گردد که حکمی که از تران و قرداد انسان خادج نباشد ولی انجام دادن آن باعث سختی شدید غنی متعادل می‌گردد شامل قاعده می‌شود. در کتاب حدائق دد معدای ح ج آمده اس: «ح ج دد دین اسلام مدتفی اس و آن امکان فعل با مشق اس» (بح انی، شیخ یرسف، 4051، 31: 222).  
 د) نکت آخر ایدک ع ف م جمع تشخی شدت و ضعف تکلیف می‌باشد ولری مرلاک عس و ح ج و مشق مکلف، وضعی جسمی می‌باشد.  
 از نکات و موارد فوق می‌توان حک کرد که: متعهدی که تعهد کرده اسیت سیاخت ن جناده و ییا بناهایی مثل پل های بزرگ، سد، نیروگاه و یا ساختمان و به دلیل بروز جنگ و یا حیوادمث غیر مترقبه دیر قیمتها بالا رفته، مواد اولیه کمیاب و هزینه نیروی کار افزایش یابد و از این طریق انجام تعهد برای وی دشوار و موجب مشقت و حر گردد، معاف می‌باشد.

## 2-4 ضروری شدن اجرای تعهد

دد سردتی که بعد از انجام ق اداد بخاط بر جررد آمدن حرادث خرادجی، ق اداد از تعادل خادج گ دد، و ض د شکل بگی د این سرال ایجاد می‌گردد آیا امکان دهایی ف د متض د از الزام ناشی از ق اداد هس یا باید ضر د دا ه چدرد سردگین و گرزاف (تحمیل کدد، ب تعهد خرد عمل نماید؟  
 آنچه دد ایدجا قابل ب دسی اس ایدک باید دید با تکی ب مبانی خیاد غبن می‌تران از ض د ناشی از تغیی دد اوضاع و احوال زمان عقد جلرگی ی ک د.  
 ب ای ترجی و ترضی مبانی خیاد غبن ب دونظی تخلف از شرط ضرمدی و جبران ض د نادوا مردد بحث ق ادمی گی د:

## 2-4-1 تخلف از شرط ضمنی:

«بخی این نظی دا نتیج حکرم ا داده ای سالم می‌داندد. ک با آگاهی از ب ابری عرضین ب معامل دضای دهد.» ب عک کسانی که خیاد غبن دا نتیج عیرب ا داده مری داندد (بداب این چدانچ دد ب ابی آن معامل شک شرد، این نشان عدم دضای ب معامل باش ایط مذکرد می‌باشد و چدین معامل ای مشمرل آی ش یف «ان تکررن تجرادۀ عرن ت اض» نساء: 29) نیس. این استدلال کسانی اس که غربن دا نتیج عیرب ا داده مری داندد» (کاترزیان، ناص، 3801، 5: 342)

قانون مدنی ترجهی ب این نظی ندادد و با ترج ب داه حل فسخ این اختیار دا قائل اس ک می تران معامل صحی و نافذ دا فسخ نمرد ولی و جرد عیب، عقد دا غی نافذ و باطل می نماید، دد سردتی می تران از نظی تغیی بدیادین اوضراع و احرال بر میدرای ش ط ضمدی استفاده ک د ک علاوه ب عام بردن حادث و غیر قابل پریش بیدری بردن اتفاقات و خادج از اداده و کدت ل، قصد مشت ک متعاقدین ب ش ایط ضمدی مرردد قبرل ع ف، تعلق بگی د.

هرچند نباید در معاملات و انتظارات متعارف طرفین در ایجاد نوعی تعادل مابین آنچه به دست می آورند و آنچه از دست می دهند توجهی نکرد، ولی با وجود راه حلی همچون قاعده لاضرر که در حقوق مدنی وجود دارد ترجیح این نظر یعنی جبران ضرر ناروا موجه مورد توجه است.

## 2-4-2 جبران ضرر ناروا

«از فق و مراد قانون مدنی چدرین ب داشر مری شررد کر: «جبر ان ضرر د ناشری از نامتعادل بردن دو عرض و جمع بین حق طرفین عقرد لرزوم دادد. لازم جبر ان ضرر د مذکرد و جرد حق فسخ معامل ب ای متض د اس ک خیاد غبن نام دادد» ماده ۱۶۴ ق.م. آنچ از کلام فقها ب داش می شررد این اس ک: «بدون پذی ش غبن حادث، خیاد غبن دا ویرژه عردم تعادل و نراب اب ی عرضرین دد هدگرام عقرد مری داندرد» (نجفوری، شریخ محمدحسن، ۳۲: ۲۴- انصادی، شیخ م تزی، ۳۷۴: ۳۲. ۶۳۲. ۸۲۱ مجل حقرقی، ش ۵۲). نکاتی ک باید مررد ترج باشد تا داه دا ب ای دسیدن ب هدف، دوشن سازد ب ش ح ذیرل اس:

اولاً: «ایجاد ض د ب سبب تغیی و تحرل دد اوضاع و احرالی می باشد ک عقرد دد آن اوضاع و احرال مدعقد گ دیده اس. شکل گ فتن حرادث خادجی و غیر مت قبر، باعرث تغیی صعردی و نزولی ناگهانی دد قیمتها شده و اگ دد چدین شر ایطی حکرم بر الرزام ط فین ب انجام تعهد گ دد، ض دی سدگین ب یکی از متعاملین وادد می گ دد. تشخی مقداد ض د و یا عس و ح جی ک ب متعهد وادد می شررد، ب عهده ع ف می باشد. ثانیاً:



این نظریه غالباً در قیاس‌های کلامی بین شرایط انعقاد تا هدگام اجرایی آن فاصل  
زمانی

قابل ترجیحی باشد، قابل طرح می باشد. **ثالثاً:** تغیی عمدہ و قابل ترجیح دد اوضاع و احراق اقتصادی، تجادی، اجتماعی، حتی سیاسی ب و جرد می آید، ب نحری ک ب طرد بدیادی اوضاع دا دگ گرن ک ده باشد. دابعا: دد ق اددادهای دداز مردت ، بایسرتی مجمرع سررد و زیان ددج یان اج ای ق ادداد مرردد ترجر باشرد». (کاترزیان، ناصر، 380۱، 3: 8۹) ددحقیق باید ض دی تحققی یافت باشد. (صادقی مقدم، محمد ۹37۱: ۲۲۲)

«آنچ ک دد قانرن مدنی ای ان مرجب خیاد فسرخ می باشد، غبن فاحش و عدم تعادل بین عرضین اس ، اما سخدی پی امرن ض د ناشی از ب وز حرادث غی مت قبر بر میران نیارده اس . چیزی ک قانرنگنذاد آن دا مهم می دلند، ض ودت جب ان ض د نادوا می باشد. چ اک دد نظ ع ف، تحمیل ض د نادوا ب یکی از متعاملین قابل قبرل نیس و ب دنبرال جب ان آن اس . دد ایدجا سخن از ض دی غی متعرادف و گرزاف اسر بر گرنر ای کر تحمل آن متعهد دا ب مشق و دشردای شدید می اندازد. با ه کدام از مبانی خیاد غبن ض د ناشی از ب وز حرادث غی مت قب مدتفی اسر .» (امرامی، سرید حسرن، 5۹3۱) ۱:

7۹4) ب عقیده دکت کاترزیان «ملاک قاعده لاض د دد مرردی ک دویدادی غی مت قبر تعادل ق اد دادی دا ب هم می زند، و جرد دادد و قاعده مذکرد گدجایش نفی ه ض د نادوا دا نیز دادد.» (صادقی مقدم، محمد ۹37۱: ۲۲۲)

از آنچ گفت شد بدس می آید ک: تحمرل زیران غیر متعرادف متعاقردین دا عر ف مدطقی نمی داند و باید جب ان شررد. لذا چدانچ متعهد ض د غی متعرادف جب ان نکدد و ب نرعی ب وی تحمیل نشرد، باید حکمی ک مرجب ض د اس ب داشت شررد و ضرر دد نامی تران ب ه نحری ک امکان دادد جب ان نمرد و با تکی ب قاعده لاض د کر مبدرای خیاد غبن اس، می شررد غبن حادث ناشی از تغیی بدیادین ش ایط و احراق دا دلیلی بر عدم التزام ب عقد ض دی دانس و ب حق فسرخ ب ای متعهد متض د قائل شد چ اک:

اولاً: قاعده لاض ده نرع ض د نادوا دا مدتفی دانست و حکم الزامی ناشی از قراد داد ک باعث ض د می باشد دا ب داشت می شررد، (خره دد احکام تکلیفی باشرد یرا

وضرعی). **ثانیاً:** دد سردتی ک ب جه تغیی دد اوضاع و احوال معاهده و بخراط  
 افزایش هزیدر انجام تعهد، ب یکی از متعاملین ض دی غی متعادل ب سد،  
 چدرین ضر دی از نظر عرف نادوا برده و تحمیل آن ب متعهد دوا نیس. **ثالثاً:** دد  
 بر جررد آمدن چدرین ضر دی اداده متعهد نقشی نداشت و مدتسب ک دن ض د ب  
 متعهد یا متعادل و یا شیخ دیگی غیر مرج اس. **رابعاً:** اگ عمل ب ق ادداد مرقتاً  
 دشراد شرد، قاضی می تراند اج ای ق ادداد دا تعلیق نماید و ب ای اج ای ق ادداد مهل  
 دهد تا ایدک زمید آن ف اهم شررد. **خامساً:** اگ ایی شدن ق ادداد ب جه تغیی  
 اوضاع و احوال دشراد گر دد و ایرن دشرادی مرقتی نباشد ب حسب مردد ق  
 ادداد مدحل و یا حق فسخ ایجاد میگ دد.  
 چدانچ مرادد فرق دا قبرل کدیم، می تران ب قاعده لاض د ب ای جب ان ض د ناشری  
 ازب وز حرادث پیش بیدی نشده استداد نمرد.

## 2-4-3 جایگاه تغییر اوضاع و احوال از دیدگاه امام خمینی(ره)

همانطردی ک بحث شد، اصل مهمی دد حقرق بین الملل و دد حقرق اسرلام و جررد  
 دادد ب نام اصل وفای ب عهد ک دد حقرق اسلام تاکیدات زیرادی بر آن شرده اسر  
 و آیات متعددی همچرن «اوفرأ بالعقد» و «اوفرأ بالعهد» و ب مبدای قاعده عمرمی  
 فقهری «المسلمن عددش وطهم» پایبندی ب معاهدات و وفادادی ب پیمانها واجب  
 اسر. بر آن اشاده نمرده اس. اما همین اصل وفای ب عهد ب دلیل ایدکر دد  
 معاهدات هممراده بین ثبات و تغیی هستیم ممکن اس مردد خدش ق اد بگی د ک  
 دد حقرق برین الملرل تح عدران قاعده دبرس دد ماده ۶۲ کدرانسیرن ۱۹۶۹ وین ب  
 آن اشاده شده اس کر کشردها البت با وجردهش ایط مق د دد آن، می تراندد بر آن  
 اسرتداد نمایندرد و از اجر ای معاهدات خرددادی نمایندد. و اصل دبرس دد حقرق اسلام  
 تحر عدرران قاعده مصرلح شداخت شده اس ک کشردهای اسلامی می تراند زمانی  
 ک مصال اسلام و مسلمین دد خط باشد ب وسیل قراعد ثانری از اج ای قراعد  
 اولی ب طرد مرق، خرددادی نمایندد.

از این دو، شایست اس دیدگاه امام داخل ددباده این دو قاعده فقهی یعدی ق ادداد و  
 ع ف مردد باز شداسری ق ادداد گیر د. (عمیرد زنجرانی، عباسرعلی، 377۱، 3: 487 ر  
 ۲۲5 و ضیائی بیگدلی، محمد دضا، 5۹3۱: ۹3 ر 44)

## 2-3-4-1 تعهد به معاهدات بین المللی

معاهدات بین الملل دامی تران ب دو قسم دو جانب و یا خصصرسی و همچدرین چدررد چانب یا عمرمی تقسیم نمرد:

دد تقسیم اول) معاهدات دو جانب یا خصصرسی ( امضرا کدردگان قر اداد، دو کشررد متعاهد دا ب دعای مفاد آن ملزم می نماید و دد قسم دوم) معاهدات چدررد چانبیر یرا عمرمی ( ک دد ت از م اکز بین المللی امضاء می گ دد و هم کشرردها ملرزم بر دعایر هستدد مداسب دادد دیدگاه های امام خمیدی) ده ( مردد ترج ق ادگی د:

## 2-3-4-2 تعهد به معاهدات دو جانبه بین المللی

دد مردد ق ادادهای دوجنب ، حض ت امام خمیدی) ده ( بین ق ادادهرایی کر بخراط اضط اد ولی با ا داده و انتخاب م دم مسلمان ای ان مدعقد گ دیده اس و نیز معاهداتی ک ب جه اک اه و اجیاد بخاط تسلّط و تحکم قددتی ب مردم مسرلمان یر ان مدعقد 51

شده اس ف ق قائل برندن. )م اد از اک اه آن اس ک کشردی برا اجبراد و برا دد اختیارداشتن کلیه وسایل تسلط سیاسی و نظامی، کشردی دیگ دا مجبرد ب پردی ش قر اداد خاص کدد و مدظرد از اضط اد آن اس ک حکرم اسلامی برا عددران ثرانری بر خراط مصلح حکرمی ناچاد ب پردی ش ق اداد خاصی دد ش ایط «فردس مایود» گ دد)

ب همین جه ترافق ای ان و ایالات متحده دد مردد دعاوی پی امرن گ وگران هرای آم یکایی و دعاوی دیگ حقرقی ک ب جه اضط اد دد یران لاهر انعقد یافتر بررد ، تجیید نمرد و معت ضان ب آن دا با عبادت «این تذهبرن» معاتب نمردند.

اما معاهداتی ک بین ای ان و ام یکا دد زمان دیم پهلری مدعقد شده برد اولاً: مقبرلی لازم دا ب دلیل اک اه و اجیاد نداس.

ثانیاً: ب مبدای اصل دبرس یا تغیی اوضاع و احررال، بعدد از انقرب اسرلامی یر ان ، معاهداتی ک باعث وابستگی م دم مسلمان ای ان دا ب ایالات متحده می شد و برا اصل عدم تعهد دد تغای برد، آن ا با استقلال مدافی می دانس و ملغری اعلام ک دند. از نظر ایشان معاهداتی محت م برد ک دول ای ان با ه دولتی مدعقد کرده

بررد بایرد دد آن، احتام ب استقلال کشرد اسلامی و عدم دخال بیگانگان دد مسائل داخلی کشرد دعایر گ دیده باشد. حضرت امام خمیدی ب دعای اصررلی مثل: مصلح، انصراف، مسراوات، لاض د، عدم غش و عدال دد معاهدات بین المللی تجکید می ک دند و قائل ب حق شرط یا تحفظ (reservation) دد چدین ق اددادهایی بر دند. و دد این براده ف مرده انرد: «آن چ دد زمیده اقتصادی مردد نظ ما اس، جلرگی ی از غادت مدابع ملّ ما اس، ن قطع دابط اقتصادی با کشردهای جهان و ددس دد بین چادچرب یک معامل عادلانر اسر ک نف و گاز نیز ب خ یدادان آن ع ض خراهد شد. و مهم ت آن کر مدرافع حاصلر از ف وش مدابع ادضی باید ب مص ف پیش دف های اقتصادی ما ب سد و دد این جهر مرا قطعاً با جهان صدعتی دد دابط کامل خراهم بر د، ولی حق تصمیم گی ی برای جهتری ک اقتصاد مرا لنتخراب خراهدر کر د، بر عهدره خردر مرا خراهدر بررد.» د.ک: صرحیف امام، (۹۳۸۱) 5: 55۱ ر 57۱)

و نیز دد زمیدر ق اددادهایی کر خراف مصلح باشرد آودده انرد کر: «مرا کلیر ق اددادهایی دا ک ب خلاف مصلح ملّ آتمان باشد ب ای شان ادزش قائلر نیسرتیم و اگر ق اددادی باشد ک انصاف داشت باشد و ب ای مرا ف ائرده ای داشت باشرد، آن ق ادداد دا تصریب می کدیم ... ه ک می داند این ق اددادها دا ک بست اند، نف ما دا گ فت و دد ازای آن اسلح هایی ک ب هیچ وج ب دد ما نمی خردد داده لند. ایرن نرع ق اددادها مض نند ب ای ملّ ها. ق ادداد مفید این اس ک ق ادداد می بددند، چیزهایی کر بر ای ای ان مفید اس ک بدهد، چیزهایی ک ب ای زداع و صدع ای ان مفید اس بدهدرد. آن چیزهایی کر اصرلاً فائرده ای بر ای ایر ان نردادد، ایرن هرا ق اددادهای غیر مفید هستند.» د.ک: صرحیف امام، (۹۳۸۱) 5: ۶4۱ ر 50۱)

۲-۳-۳-۳ تعهد ب معاهدات چدد جانب بین المللی

حضرت امام خمیدی (ده) دد این مردد مرگداً دد بیانات خردشان، دد صردتی کر قراعدر و مق دات بین المللی مصلح سازمان ها و نهادهای بین المللی، سرب صرل و عدال دد ع صه جهانی گ دد، دعای آن ض ودی اس، و نیز تاکید داخند: از باب مسالم جری و صل گ ایی دول اسلامی و همچدین از باب قاعده الزام کر سرای کشردها دا مردرف و متعهد ب اج ا و پای بددی ب ق اددادهای بین المللی می کدرد، دعایر چدین قراعدری ض ودت دادد. البت مش وعی و مقبرلی چدین ق اددادهایی دا مش وط ب دعای نردن عدال و پای بددی ب مفاد آن ترسط سالی

کشورها و عدم پیمان شرکدی از سرری آنان می دانستند. و لذا کشورهای ک اقدام ب خ اب کادی، خیانت ، جاسرسی، نقرن نظرم عمرمی، نقش کشی ب ای ب اندازی کشرد اسلامی و یا استفاده ابزاد گرنر از م اکرز برین المللی کدد، نمی تراندد با استداد ب قرانین برین المللی یرک جانبر، معاملر بر مثل حکرم اسلامی دامردس زنش ق اد دهدد.

دد این باده می تران ب بیانات زی دامردد ترج ق اد داد ایشان می ف مایدد:

۱. «من باز تجکید می کدم ک هادد سیاس خردد برای دسریدن بر صرل دد چادچرب قطع نام شردای امیدر جردی هسرتیم و ه گرز پریش قردم دد تضعیف آن نخرهیم برد.» (د.ک: صحیف امام، ۹۳۸۱) ۵: ۳۴۱-۳۵۱) ۲. «این چیزی ک حق ما اس دد دنیا، همه دنیا می دلندد ک دد هم قرانین بین المللی اس ک مج م باید ب گ دد دد همان محلّی ک ج م ک ده اس و دد آن جا محاکم بشرد. ما ایرن مجرم دا از او مری خراهیم کر دد ایدجرا محاکم بشرد.» (د.ک: صحیف امام، ۹۳۸۱) ۱۱: ۳۹)

۳. «ق ادادهای بین المللی اقتضا می کدد ک جاسرس دد یک مملکتی ب اسم سفی باشد یا با اسم کادداد سفی باشد؟ یا ن، اگ سف ایی باشردد، اشخاصری باشدد ک ب یک مملکتی خیان نمی خراهدد بکدد، جاسرسی نمی خراهدد بکدد، اسباب حکرم نمی خراهدد ف اهم کدد، آن ها هستدد ک گ وگران گ فتن شان صحی نیس. و اما این ک ملّ ما عمل ک ده اس، این گ فتن یک دست جاسرس اس ک این جاسرس ها ب حسب قراعد بایرد بازدسری بشرند، باید محاکم بشرند و باید ب حسب قرانین ما ب آن ها عمل بشررد و امّلاً آن چ ک کادت ک ده اس ب خلاف قرانین بین المللی اس، برای ایرن

۷۱

ک مج م، مج م ب یک کشرد باید بیاید دد همان کشرد محاکم بشرد و حقندادد یک کشرد، مج م دانگ دادد و پداه بدهد، ب خلاف قراعد بین المللی اس. این کادت اس ک ب خلاف قراعد بین المللی عمل ک ده ن ما.» (د.ک:

صحیف امام، ۹۳۸۱) ۵: ۸۵)

۴. «این دوزها زمزم آن اس ک شردای امدی ب ای دسیدگی ب ام گ وگران ها ک نزد ملّ ما جاسرسی آن ها تاب اس تشکیل شرد. آقای کادت پر از مانرد

نظامی و سیاسی داضری شرده انرد کر شردای امدیر فقرط بر ای دسیدگی ب این ام تشکیل شرد. غافل از آن ک ملّ ما می داندرد کر هر شردایی یا محکم ای ک تح نفرذ مستقیم ام یکا تشکیل شرد، از اوّلل دای آنان دیکت شده اس و محکرمی ملّ مظلم ما مردد استقبال آنان اسر. ملّ ما با شردای امدی ف مایشی ک از اوّلل تکلیف آن معلرم شرده مرافرق نیس. دسیدگی ب ام شاه مخرع و ام جاسرسان دد م کز جاسرسی جز دد ای ان امکان ندادد، زی ا علائم و شراهدج م دد ای ان اس و قابل انتقرال بر غی از ای ان نیس. «د.ک: صحیف امام، (۹۳۸۱: ۱۱): ۳۵۱-۳۳۱»

۵. «تبلیغات ب ضد ما ... ب خلاف ق اددادهای بین المللی اس.» د.ک: صحیف امام، (۹۳۸۱) ۴۱: ۵۳-۵۴.

### نتیجه گیری و پیشنهادات:

با ترجیح ب ب خرددادی مبانی معاهدات بین المللی دو عدص ثبات و تغیی ، غالباً نظام های حقوقی اصل ثبات و امدی ق ادادها داپذی فت لند و قاعده لزوم و فرا بر معاهدات تبلرد عدص ثبات و استم اد معاهدات می باشد ولی این اصل دا نمی تران ب عدران یک قاعده مطلق پذی ف . چ اک دعای نک دن اصل ثبات دد مراددی خاص مجاز می باشد، همانطردی ک تغیی بدیرادین شرایط و احررال، تعادل معاهده ای دا اساسا ب هم بزند، دد ایرن صرردت یرا فسرخ معاهده و تعدیل آن، جایگزین حکم اولی می گ دد. ب نظ می دسد این اصل بهت ین داهرل جمرع برین دو عدص ثبات و تغیی اس . قبرل تجتی تغیی بدیرادین شرایط معاهدات ، تجتی آن، ایرن امکان دا ب ط فین داده تا دد ق اداد تعدیل و تجدید نظ و یا فسرخ نمرد.

دد این پژوهش با بیان جایگاه قاعده بدیادین این نظی ب داشر مری شررد کر اگر ش ایط مرجرد دد زمان معاهده، با ترافق و ت اضری طرفین ق اداد باشرد و ایرن تغیی بدیادین دد نحره التزام ب معاهد، تجتی گدادد، ایرن تغیی شرایط و اوضراع و احررال دد معاهده مؤث خراهد برد. این قاعده هیچ گرن تغای ی با اصل و فرای بر عهد نر دادد و ترا وقتی ک ش ایط مرجرد باشد این معاهده همچدان پاب جاس و اصل و فرای بر عهد یرا اصل لزوم حاکم اس .

داه حل فقهی و حقوقی مرث بردن تغیی بدیادین اوضراع و احررال دد معاهدات، ثابیت است اما با تکیه بر مبانی معاذیر قراردادی می توان بدست آورد کیه در صیورت



ایجاد شرایط و اتفاقاتی که باعث ضرری، مشقت و یا دشوار شدن اجرای تعهد گردد، فقیهان با استناد بیه قاعیده نفی عسر و حر، به رفع الزام از هر فرد متعهدی که اجرای تعهد برای او، باعث مشیقت و حیر است حک کرده اند و بر حسب می توان باعث ابطال و یا انفساخ عقد شود؛ و اگر بعید از انجیام عقد در اثر ایجاد اتفاقات و حوادث خارجی، تعادل آن بره بخورد، این مسئله وجود دارد که آیا در این صورت و با فرض وجود ضرر این امکان وجود دارد که متضریر از الیزام ناشی از قرارداد رهایی یابد یا باید ضرر را هر چند گزاف و نامتعارف تحمل نموده و به تعهدات خود پایبند باشد.

دو ایدجا می تران با استفاده از مبانی خیاد غبن جلر ض د ناشی از تغییر دد اوضراع و احوال زمان عقد داگ ف. ب ای ترجی و ترضی مبانی خیاد غبن ب دو نظی تخلف از شرط ضمنی و جب ان ض د نادوا مردد بحث ق ادگ ف. بدس آمدک اصل مهمی ب نام اصل وفای ب عهد دد حقرق بین الملل و دد حقرق اسلام و جرد دادک دد حقرق اسلام تاکیدات زیادی ب آن شده اس امرا همبرین اصل وفای ب عهد ب دلیل ایدک دد معاهدات همراده بین ثبات و تغیی هستیم ممکن اسر مردد خدش ق ادبگی دک دد حقرق بین الملل تح عدران قاعرده دبررس دد مراده ۶۲ کدرانسیرن ۱۹۶۹ وین ب آن اشاده شده اس ک کشردها البت با و جردش ایط مقرر دد آن، می تراندد ب آن استداد نمایدد و از اج ای معاهدات خرددادی نمایدد. و اصل دبررس دد حقرق اسلام تح عدران قاعده مصلح شداخت شده اس کر کشردهای اسرلامی می تراند زمانی ک مصل اسلام و مسلمین دد خطر باشرد بر وسریل قراعدر ثانیر از اج ای قراعد اولی ب طرد مرق، خرددادی نمایدد. دیدگاه امام داخل ددباده این دو قاعده فقهی یعدی ق اداد و ع ف مردد بازشداسی ق اد گ فر و ایشران برین ق ادادهرایی کر بخاط اضط اد با اداده و اختیار مل مسلمان ای ان مدعقد شرده و معاهداتی کر دد اثر اک اه و اجباد ب دلیل سلط و تحکم یک قددت ب مل مسلمان ای ان انعقاد یافت اسر، تمایز قائل بردند و ب دعای اصری مثل: مَلَّصَلِح، انصاف، مساوات، لاض د، عدم غرش و عدال دد معاهدات بری ن المللری تجکیرد مری ک دند و قائل بر حرق شرط یرا تحفظ (reservation) دد چندین ق ادادهایی بردند.

اصل ثبات و استمرار معاهدات بین الملل و لزوم تغییر با توجه به مقتضیات زمان و مکان با تاکید بر دیدگاه امام خمینی ره

## منابع:

ق آن

نه: البلاغ

- اب اهیم، الس حان، عدنان و حمد خا ط ، نردی، (۲۰۰۲ م) (مصادر الحرق الشخصری، چاپ اول.
- اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۱) (تاثی تغیی اوضاع و احوال ب ق ادادهرا از مدظر حرق تطبیقی، مجل دهمرن، ش ۱.
- اع ابی، هرمن، (۹۳۷۱) (تاثی تغیی بلیادین اوضاع و احوال ب اجر ای معاهدات برین المللی، مجل دادسی، ش ۲۱.
- امامی، سید حسن، (۳۴۰۱) (حرق مدنی، کتابف وشی اسلامی .
- انصادی، شیخ م تزی، (۳۷۴۱) (مکاسب، قم مرسس اسماعیلیان
- انصادی، شیخ م تزی، (مکاسب، (۳۷۱۶)، انتشارات دهقرانی (اسماعیلیان)، چراپ جهادم.
- بح انی، یرسف بن احمد بن اب اهیم، (۴۰۵۱هـ)، الحدائق الداضر ه فری احکرام العتر ه الطاه ه، قم، دفت انتشارات اسلامی وابست ب جامع مددسین حرزه علمی قم.
- جعف ی لدگ ودی، محمدجعف ، (۳۵۷۱) (دای ه المعادف حرق مدنی، تجرادت، بدیراد داسرتاد و حرق تعهدات، چاپ دانشگاه ته ان.
- جرادی آملی، عبدالله، (۳۸۷۱)، تسدیم، قم، نش اس اء.
- حلی، علام، حسن مختلف الشیع، (۳۱۴۱ق) (دفت انتشارات اسرامی وابسرت بر جامع مددسین حرزه علمی قم، چاپ دوم .
- خس وی حامد، (۹۹۳۱) (مطالع تطبیقی حرق ای ان و اتحادی ادوپا، دانشگاه ت بیر مددس، دانشکده حرق
- دهنخدا علی اکب، (۳۷۳۱)، لغتدام دهنخدا، جلد دهم، چاپ اول از دوده جدید، بهاد.
- الزحیلی، وهب، (۲۰۰۲ م) (الفقی الاسلامی و ادلتر، داد الفکر المعاصر، بیروت، چراپ جهادم
- السهدردی، عبدال زاق، (بی تا) (مصادر الحق فی الفق الاسلامی، داداحیاء الت اث الع بی شیخ الف ازی، حبیب ال سرب،) بی تا) (اث الظ وف الطادئ علی الاتزام العقدی.
- شیخ طرسی، (۰۹۳۱)، الاستبصاد، دادالکتب الاسلامی، قم.

- شیخ طرسی، (بی تا) خلاف، دادالکتب العلمی، قم.
- صادقی مقدم، محمدحسن، (۹۳۷۱) مطالعه تطبیقی «تجشی تغیی اوضاع و احراال بر ق اداد» و داه حل حقرق ای ان، مجل حقرقی، ش ۵۲.
- ضیائی بیگدلی، محمد دضا، (۵۹۳۱) حقرق معاهدات بین المللی، ته ان، گد: دانش.
- الطباطبایی، العلامة السید محمدحسین، (بی تا)، تفسی الق آن، قم، مدشردات جماعه المددّالّسین فی الحرزه العلمیه.
- العاملی، سید محمد جراد الحسیدی، (بی تا) مفتاح الک ام، آل البی لاحیراء التراب، قم عاملی، محمدبن جمال الدین مکی ( شریه اول)، (۱۹۴۱ه ق) الرذکی الشریع فری احکام الش یعه، قم، مرسس آل البی.
- عباسعلی عمید زنجانی، (۱۳۷۷) فق سیاسی اسلام، انتشارات امی کبی.
- عبدالباقی عبدالفتاح، نظی الظ وف الطادئ، ب نقل از اب اهیم، الس حان عمید، حسن، (۰۹۳۱)، ف هدگ لغ عمید، ته ان، امی کبی.
- فیرمی، احمد بن محمد، (۴۱۴۱)، المصباح المدى فی غ یب الش ح الکبیر لل افعری، قم، مرسس داد الهج ه.
- کاترزیان، ناص، (۷۶۳۱) قراعد عمرمی ق ادادها، ش ک انتشار، چاپ دوم.
- کاترزیان، ناص، (۳۸۰۱) قراعد عمرمی ق ادادها، ش ک سهامی انتشار.
- محبّلی، محسن، (۹۳۷۱) زمید های تادیخی حضر د ش کتهای خصرصی دد حقرق بین-الملل، مجل حقرقی، نشی دفت خدمات حقرقی بین المللی جمهردی اسلامی ای ان ش ۵۲.
- محقق داماد، سید مصطفی، (۳۷۴۱) قراعد فق، بخرش مردنی ۲، انتشارات سرازمان مطالع و تردوین کترب علررم انسانی دانشگاه (سم)، چاپ اول
- مصطفی، حسن، (۳۸۵۱)، التحقیق فی کلمات الق آن الک یم، طه ان، م کز نش آثار العلام المصطفی.
- المرسری الخمیدی، دوح الله، (۳۶۳۱) کتاب البیع، قم، اسماعیلیان.
- مرسری خمیدی، دوح الله، (۹۳۸۱) صحیف نرد، نش ع وج .
- مرسری بجدرددی، سیدحسن، (۳۷۴۱) قراعد الفقهی، مدشردات مکتب بصی تی، قرم، چاپ دوم.

مرلری، مه ان، (4۹3۱) قاعده دبرس (تغیی بديادين اوضاع و احررال ) دد حقرق برین الملل، فصلدام مطالعات علم اجتماعي، دوده 3، ش ۲.

ناصر ی لادیجانی، نغم، (۹38۱) تعامل میان حقرق معاهدات و حقرق مسئرلی بین المللی دد ترجی عدم ایفای تعهدات بین المللی، مجل حقرقی بین المللی، شماده ۲4.

۲۱

نجفی، محمدحسن، جراه الکلام، (۶۲3۱) مؤسسۀ الدش الاسلامی التابعه لجماعرة المددسین، داد الکتب الإسلامیة ته ان

ن اقی، احمد، (408۱هق) عرائد الأيام فی بیان قراعد الأحکام، مکتب بصی تی، قم.